

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سوم 99/06/31

موضوع: نسخه ای برای جلوگیری از قیام مردم بر ضد حکومت‌های ظالم!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

پرسش:

يك حدیثی از «ابن عباس» در «صحیح بخاری» نقل شده که اگر شما از امیرتان کراهت هم داشتید، باید اطاعت کنید و گرنه هرچه دور بشوید، «مات میتة جاهلیة»!

بعضی از بزرگان ما، با توجه به یک سری قرائن دیگر به شدت به «ابن عباس» سخت‌گیرند. از جمله در «نهج البلاغه» است که امام می‌فرماید تو پسر عموی من بودی؛ ولی خیانت کردی.

یعنی آن‌طوری که از «ابن عباس» تجلیل می‌کنند و می‌گویند ایشان شخصیت والایی بوده نیست و «ابن عباس» زیر سوال می‌رود.

اینها نتیجه می‌گیرند که «ابن عباس» جزء جاعلین حدیث و وابستگان به «بنی امیه» و در خدمت «بنی امیه» بوده است. آیا همچنین برداشتی درست است که «ابن عباس» همچنین وضعیتی داشته است؟

پاسخ:

ببینید اولاً مطالبی که آقایان آورده‌اند که:

«من فارق الجماعة شبراً فمات إلا مات میتة جاهلیة»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 6، ص 2588، ح 6646

یا:

«من كَرِهَ من أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيُضِرْ فَإِنَّهُ من خَرَجَ من السُّلْطَانِ شَبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 6، ص 2588، ح 6645

یا:

«من خَرَجَ من الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج3، ص 1477، ح 1848

افرادی که معمولا این روایات را جعل می‌کنند، نمی‌آیند از قول راویان ضعیف نقل کنند، می‌روند از قول افرادی نقل می‌کنند که در جامعه مقبولیت دارند.

يك کسی که می‌خواهد دروغی را بگوید، تلاش می‌کند از قول يك آدم بزرگی نقل کند که طرف، دیگر تردیدی نداشته باشد. اگر بگوید بقال سر کوچه این‌طوری می‌گفت، هیچ‌کس قبول نمی‌کند. این يك، پس این روایت‌ها به این شکلی است.

جواب دوم: این روایات‌ها درست هم که باشد، در صورتی است که این جماعت، جماعت اسلامی باشد. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم، درباره قضیه خوارج نهران شبیه هم قضیه را در «نهج البلاغه» دارد که اگر کسی از جماعت خارج شود، طعمه گرگ خواهد شد. در آن هیچ شك و شبهه‌ای نیست.

اما مراد از جماعت، کدام جماعت است؟ جماعت کفر؟! الان فرض بفرمایید مثلا يك کسی در کشور کفری دارد زندگی می‌کند، یعنی طبق این بیان، او باید همکیش آنها باشد؟! این که قطعا مراد نیست؛ پس مراد از جماعتی که در اینجاست و می فرماید: «يفارق الجماعة»؛ مراد از این جماعت، جماعت حق است.

بله اگر «من فارق جماعة الحق، مات ميتة جاهلية»، در آن هیچ شك و شبهه‌ای نیست؛ ولی يك جماعتی که در رأس آن، «یزید بن معاویه» است که امیرالمؤمنین شهادت به کفرش می‌دهد؛ آیا از آن جماعت هم مفارقت کردن این طوری است؟

یا يك جماعتی ظالم است که قرآن می‌گوید:

(وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا)

و بر ظالمان تکیه ننمایید

سوره هود (11): آیه 113

قطعا آن «ظلموا» که جماعتی تشکیل دادند، مفارقت از آن جماعت، نه تنها گناه نیست، بلکه مفارقت از آن جماعت، عین دیانت هم است. در آن شکی نیست.

لذا حضرت «سید الشهداء» این عبارتی که دارد، شیعه و سنی هم نقل کردند:

«وَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بُزْمًا»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء

- الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي؛ ج 3، ص 114

كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط- القديمة)، نویسنده: اربلی، علی بن عیسی، تاریخ وفات مؤلف:

692 ق، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، ناشر: بنی هاشمی، تبریز، 1381 ق؛ ج 2، ص 32

یا حضرت امیر دارد:

«كُونَا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

نهج البلاغة (للسبحي صالح): نويسنده: شريف الرضى، محمد بن حسين، ناشر: هجرت، محقق/

مصصح: فيض الاسلام، ص 421، نامه 47

قطعاً در آنجا با جماعت ظالم نه تنها نبايد صبر كرد، بلكه بايد در برابر ظالم قيام كرد و لذا اين عبارت:

«من خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شِبْرًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج6، ص 2588، ح 6646

يك مقداری بو دار است. و اينکه «صحيح مسلم» دارد:

«سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ كَانُوا مِنْ

«كان»

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج3، ص 1479، ح 1852

پشت بند همین روایت «مسلم»، می بینیم که «ابن عربی» می گوید که اگر امام حسین را کشتند، طبق

دستور پیامبر کشتند!!

«قتل الحسين بسيف جده»

العواصم من القواصم، تأليف: القاضي أبو بكر بن العربي المالكي؛ به نقل نفحات الأزهار في خلاصة

عبقات الأنوار، السيد حامد حسين اللكهنوي حديث السفينة؛ تأليف: السيد علي الحسيني الميلاني؛

ج 4، ص 236

«ابن عربی» همین روایت «مسلم» را ملاک قرار می دهد و می گوید هرکسی بخواهد امر امت را که جمع است تفرقه بیندازد، «فَأَضْرِبُوهُ بِالسَّيْفِ كَأَنَّكَ مِنْ كَان!»

اینکه گفتیم این روایت ها جعلی است، شما اینها را نگاه کنید؛ این روایت کاملا مسئله را روشن می کند که اینها دنبال چه بودند. این روایت در «صحیح مسلم» است که پیغمبر فرمود:

«يَكُونُ بَعْدِي أُمَّةٌ لَا يَهْتَدُونَ بِهَدَايِي وَلَا يَسْتَنْوُونَ بِسُنَّتِي وَسَيَقُومُ فِيهِمْ رِجَالٌ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ فِي جُثْمَانِ إِنْسٍ»

می فرماید: قلب، قلب شیطانی است؛ ولی در قالب انس! «حذیفه» می گوید چه کار کنیم؟ فرمود:

«تَسْمَعُ وَتُطِيعُ لِلْأَمِيرِ وَإِنْ ضُرِبَ ظَهْرُكَ وَأُخِذَ مَالُكَ فَاسْمَعْ وَأَطِعْ»

صحیح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج3، ص 1476، ح 1847

ببینید اینها آمدند حق را با باطل مخلوط کردند و یک آش شله قلمکاری برای بقای خلافت و حکومت خودشان درست کردند. اینها از مردم استفاده های نامشروع کردند تا بتوانند جلوی هرگونه قیام و مخالفت را بگیرند.

یا بدتر از این روایت، روایتی است که از خود خلیفه دوم نقل می کنند؛ این روایت در کتاب «السنة» اثر «ابوبکر خلال» است که «سُوَيْدِ بْنِ عَفَلَةَ» می گوید: «عمر» به من گفت:

« يَا أَبَا أُمَيَّةَ، إِنِّي لَا أَدْرِي، لَعَلِّي لَا أَلْقَاكَ بَعْدَ عَامِي هَذَا، فَإِنْ أَمَرَ عَلَيْكَ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ مُجَدَّعٌ فَاسْمَعْ لَهُ وَأَطِعْ، وَإِنْ ضَرَبَكَ فَاصْبِرْ، وَإِنْ حَرَمَكَ فَاصْبِرْ، وَإِنْ أَرَادَ أَمْرًا يُنْقِصُ دِينَكَ، فَقُلْ: سَمْعًا وَطَاعَةً، دَمِي دُونَ دِينِي، وَلَا تُفَارِقِ الْجَمَاعَةَ»

السنة؛ اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن محمد بن هارون بن يزيد الخلال الوفاة: 311 هـ دار النشر:
دار الراية - الرياض - 1410 هـ - 1989 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عطية الزهراني، ج 1، ص 111،

ح 54

يعنى اگر يك امير ديوانه‌اى، مثلا يك يهودى و يا مسيحي از «آمريكا»، از «انگليس»، از «هند» از
«پاكستان» آمد و حكومت را به دست گرفت:

«فَاسْمَعْ لَهُ وَأَطِعْ...»

حال اگر دستور ضد دينى به تو داد، گفت برو آدم بكش، برو زنا كن، برو دزدى كن، برو كارهاى خلاف دين
انجام بده، دستور داد به امرى كه دينت را ناقص مى‌كند. اگر دستور خلاف دين هم بر تو داد، وظيفه تو اين
است كه:

«فَقُلْ: سَمْعًا وَطَاعَةً، دَمِي دُونَ دِينِي، وَلَا تُفَارِقِ الْجَمَاعَةَ»

يا شما ببينيد «نووى» مى‌گويد:

«وأما الخروج عليهم وقتالهم فحرام بإجماع المسلمين وإن كانوا فسقة ظالمين»

اگر حاكمى فاسق و ظالم هم باشد وظيفه مردم اطاعت از آنها است!

صحيح مسلم بشرح النووي، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي، دار النشر: دار

إحياء التراث العربي - بيروت - 1392، الطبعة: الطبعة الثانية: ج 12، ص 229

اين يك طرف قضيه است، از آن طرف منسوب به امام حسين داريم كه فرمود:

« ان كان دين محمد لم يستقم إلا بقتلى يا سيوف خذيني»

مفتاح السعادة في شرح نهج البلاغة؛ المؤلف: السيد محمد تقي النقوي، الطبع: مطبعة، علمي،

طهران، تاريخ الطبع: جمادي الثانية 1403، ج 3، ص 467

بینید چقدر تفاوت است بین این جمله با جمله قبلی. مشخص است که اینها را «بنی امیه» جعل کردند، برای این که مردم را تحمیق کنند و مردم دیگر حوصله قیام نداشته باشند و به فکر قیام در برابر اینها نیافتند.

پرسش:

استاد شما «ابن عباس» را تأیید می‌کنید؟

پاسخ:

بله، در آن هیچ شکی نیست. «ابن عباس» مورد تأیید شیعه است.

پرسش:

اسم شخصی که از معاویه پول گرفت «عبدالله» است یا «عبید الله»؟

پاسخ:

«عبیدالله» است نه «عبدالله»! «عبیدالله» همان شخصی است که فرمانده جنگ امام حسن هم بود، نزد «معاویه» رفت، پانصد هزار درهم نقدا گرفت و بعد از پیوستن هم، پانصد هزار دیگر گرفت که از امام حسن (سلام الله علیه) فاصله بگیرد.

آقایان اهل سنت، بعضاً مطالبی دارند که خیلی عجیب است. می‌گویند اگر حاکم اسلامی کافر هم باشد، بر مبنای ما:

«فالخروج علی الحاکم یعتبر فتنة فبسببه تسفك الدماء ویضعف المسلمون حتی لو کان الحاکم

کافراً»

پس خروج بر حاکم فتنه قلمداد می‌شود؛ پس به سبب آن خونها ریخته می‌شود، و مسلمانان ضعیف می‌شوند، حتی اگر حاکم کافر باشد.

تحفة المجيب على أسئلة الحاضر والغريب؛ المؤلف: أبو عبد الرحمن مُقْبَلُ بنِ هَادِي بنِ مُقْبَلِ بنِ
قَائِدَةَ الهمداني الوادعي (المتوفى: 1422هـ)، الناشر: دار الآثار للنشر والتوزيع، صنعاء - اليمن،
الطبعة: الثانية، 1423 هـ - 2002 م؛ ج 1، ص 227

اگر حاکم کافر هم باشد، کسی در برابرش قیام نکند، در این وسط هرکس کشته می‌شود، تمام گناه کشته‌ها
به عهده کسی که است که در برابر حاکم کافر، قیام کرده است!!

اگر این طوری است ما سئوالمان این است که در فتوحاتی که خلیفه اول و دوم داشتند، چرا اینها با
کشورهایی که حاکمش کافر بوده است، جنگیدند؟

مگر پیغمبر نفرموده که شما حق ندارید با حاکم کافر بجنگید؟! فرض بفرمایید در «ایران» در «روم» و در
فلان جای دیگر، یک حکومت کفری است، حاکم کافری هم دارد در آنجا حکومت می‌کند، آیا شما طبق
مبنایی که دارید، می‌توانید به آنجا حمله کنید؟

پرسش:

شاید منظور این باشد که مردم مسلمان باشند و رئیس‌شان کافر باشد.

پاسخ:

فرقی نمی‌کند که مردمش کافر باشند و یا مسلمان باشند. می‌گوید خروجش گناه است. چه رسد به این که
برای نابودی حکومت حمله کنند! حکومت‌ها را اول نابود می‌کنند بعد کشورها را تسخیر می‌کنند.

بنابراین در تمام فتوحاتی که آقایان گرفته‌اند، طبق این مبنا، هرکسی در کشور خودش جمعی و جماعتی
بوده، قوانین و مقرراتی بوده، اینها رفتند یک کشوری که در امنیت بودند، حاکم را ساقط کردند و کشور را
تسخیر کردند.

اینها کاملا واضح و روشن است که تناقضات خود حضرات است ولذا باید حواس‌مان را جمع کنیم.

الان فرض بفرمایید در «روم» و یا در «ایران» حکومتی است و حاکمش هم کافر است، این آقا می‌گوید اگر حاکم کافر هم باشد، مردم باید از او اطاعت کنند. نباید با حاکم کافر مقابله کرد. اگر کسی در مقابله با حاکم کافر کشته شود، خونش به گردن قیام کننده است.

ببینید وقتی که می‌آید می‌گوید در داخل کشور کسی علیه حاکم قیام کند، مرگش مرگ جاهلی است، از خارج بیاید چه؟ این دیگر به طریق اولی است.

الان در «ایران» مردم حکومت دارند و حکومتشان را قبول دارند، حالا تعدادی هم ناراضی هستند، آمده این آقا می‌خواهد حاکم کافر را از بین ببرد و کشور را تسخیر کند، آیا این درست است؟

پرسش:

طبق این روایت، بر مردم «ایران» حرام است که علیه حاکم خودشان قیام کنند؛ نه مردم غیر ایران.

پاسخ:

حالا اگر از خارج کسی بیاید و مردم را بشوراند چه؟

پرسش:

این روایت آن را اثبات نمی‌کند!

پاسخ:

شما ببینید دارد:

«فالخروج علی الحاکم...»

کسی بر حاکم از داخل خروج کند حرام است. از خارج بیاید چه؟ به طریق اولی حرام است. «تنقیح مناط» می‌کند؛ این اولویت است. وقتی که می‌گوید مردم خود شما نمی‌توانند در برابر این حاکم قیام کنند، قطعاً کسی از خارج بیاید هم نمی‌تواند اقدام کند.

این کسی که در داخل است، حق حیات دارد، درست است که در ظلم است، به این جنایت می‌کنند و این نمی‌تواند در برابر حاکم ظالم قیام کند، آن وقت از خارج می‌تواند کسی بیاید افراد ناراضی را جمع کند و علیه حاکم ظالم قیام کند!؟

پرسش:

از نظر روش عقلی فرمایش شما درست است و این خارج از روایت است؛ ولی اینجا منظور حاکمی است که حکومت داشته باشد، این حاکم بر مردم خودش حکومت دارد نه بر مردم تمام دنیا که بگوییم از هیچ کجای دنیا، علیه او کسی قیام نکند.

پاسخ:

الان در یک کشوری حاکم و مردمش همه کافر هستند، می‌گویند پیغمبر اکرم فرمود یا فتوا این است که علیه حاکم نباید قیام کرد. قیام یعنی چه؟

یعنی این حکومت را نباید ساقط کرد. این حکومت را ساقط کردن حرام است. وقتی توسط خود مردم ساقط کردن حکومت حرام شد، اگر کسی از خارج بیاید و این حکومت را ساقط کند، به طریق اولی حرام است.

پرسش:

این دلیل نقلی می‌تواند باشد ولی دلیل عقلی نیست. روایت شامل مردم مسلمان و جامعه اسلامی است. منظورش این است که مردم حکومت اسلامی بر علیه حاکم، حتی اگر بدانند این حاکم کافر است، نمی‌توانند قیام کنند. در واقع این روایت به نظر می‌رسد بر حکومت‌هایی مثل پادشاهان دلالت نمی‌کند.

پاسخ:

وقتی می‌گویند مردم نمی‌توانند خروج بکنند، یعنی چه؟ یعنی مردم نمی‌توانند این حاکم را از حکومت ساقط کنند. حال کسی از خارج آمده می‌خواهد این حکومت را ساقط کند یا نمی‌خواهد ساقط کند؟

پرسش:

در ادامه مطلب دارد: «ویضعف المسلمون»

پاسخ:

بله «و یضعف المسلمون» قبول؛ این برای داخل است. این همه آقایان حمله کردند و مسلمان‌ها شکست خوردند، این همه کشت و کشتار در فتوحات بوده است.

وقتی که «ایران» اعلام کرد می‌خواهد 100 هزار نیرو بفرستد، خبر به خلیفه دوم رسید، به مسجد آمد در حالی که به قدری از ترس می‌لرزید که دندان‌هایش به هم می‌خورد و نمی‌دانست چه کار باید بکند، معطل مانده بود! مسلمانان روحیه‌شان را باخته بودند.

پس در حمله کردن فرقی نمی‌کند. مسلمانی دارد حمله می‌کند، اگر شکست خورد آیا «و یضعف المسلمون» است یا نیست؟ در آنجا هم است.

ایشان می‌گویند: «فبسببه تسفک الدماء» خون ریخته می‌شود؛ یعنی در یک جایی قیام صورت بگیرد که خونی ریخته شود؛ این یک ملاکش است.

ملاک دیگرش، تضعیف مسلمین باشد؛ یعنی اینجا قیام کردن، حرام و خلاف شرع است ولو حاکمش کافر باشد. البته در رابطه با فتوحات ما بحث دیگر داریم.

ما یک روایت ضعیف هم نداریم که رسول اکرم برای فتوحات دستور داده باشد. پیغمبر اکرم در طول این 23 سال، یک جنگ ابتدائی هم نداشته است.

وظیفه پیغمبر تبلیغ دین بوده؛ اگر جلوی تبلیغ را گرفتند، و یا با مبلغین برخورد کردند، حضرت برای دفاع از مبلغین حکومت اسلامی قیام می‌کند و پشت سرشان می‌ایستد؛ ولی اگر مبلغین دین، یک جایی رفتند تبلیغ کردند که حکومت‌ها و مردم هم با آنها کاری نداشتند، دیگر چیزی نیست.

شما یک روایت ضعیف از کتاب‌های اهل سنت برای ما پیدا کنید، که رسول اکرم فرموده باشد بعد از من شما باید کشورها را فتح کنید.

پرسش:

ولی روایتی هست که حضرت بشارت داده به زمانی که کشورها فتح خواهند شد.

پاسخ:

اولاً: آن روایت سند درستی ندارد؛ و ثانیاً: همان‌جا هم پیغمبر فرمود من دارم می‌بینم کسری‌ها و... در برابر اسلام خاضع می‌شوند؛ البته کلمه «بشارت» در آنجا نیست.

در جریان «جنگ خندق» بود و یا جریان مسجدی که می‌ساختند، «سلمان» می‌آید، حضرت از آینده خبر می‌دهد. از آینده خبر دادن، غیر از امر است.

اگر پیغمبر امر بکند که بعد از من، حاکمانی که بر سر قدرت می‌نشینند، موظف هستند فتوحاتی داشته باشند؛ در اینصورت حرف شما درست است.

امیر المؤمنین 5 سال بر سر قدرت بود، آیا یک روایتی داریم که به مسلمان‌ها بگوید فلان کشورها را فتح کنید. در «ایران» زمان حضرت امیر (سلام الله علیه) بخش «مازندران» مسلمان نشده بود و یا خیلی از کشورهایی که فتح شده بود، غیر مسلمانان در آنجا بودند و جزیه هم نمی‌دادند.

شما توجه کنید که آیا امیر المؤمنین در این 5 سال، دستور داد بروند یک وجب خاک کشوری را فتح کنند؟ شما یک روایت ضعیف از «نهج البلاغه» یا جای دیگر برای ما بیاورید. ما که نتوانستیم پیدا کنیم. اگر کسی پیدا کرده بیاورد ما هم استفاده کنیم.

رسول اکرم فرمود شما بعد من بروید کشورها را فتح بکنید؛ بله تبلیغ دین بوده؛ تبلیغ شریعت، از اوجب واجبات است.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر

می‌کنید

سوره آل عمران (3): آیه 110

ولی این که شما موظف هستید فتوحاتی داشته باشید، آن یک بحث جدایی است.

پرسش:

در «جنگ بدر» فتحی صورت نگرفت؟

پاسخ:

در «جنگ بدر» مشرکین از «مکه» آمدند برای این که مسلمان‌ها را از بین ببرند؛ مسلمان‌ها در «جنگ بدر» از خودشان دفاع کردند. اینها که نرفتند «مکه» را فتح کنند. اینها در فتح مکه با همدیگر قرارداد بستند که وظیفه اینها این است که سال بعد به «مکه» بروند و مراسم حج را به جا بیاورند.

وقتی حضرت «مکه» را تصرف کرد، یک نفر را نکشت. مسلمان‌ها با ده هزار نیرو وارد «مکه» شدند و «مکه» در حال جنگ با اسلام بود.

جنگ «احزاب» شان آن طور، جنگ «بدر» شان آن طور، جنگ «احد» شان آن طور و دیگر جنگ‌ها همینطور؛ یعنی در حقیقت یک خطر جدی برای مسلمان‌ها بود و اضافه، اینها با هم تعهدی کرده بودند، ولی آنها بر تعهد خود نماندند و عهدشکنی کردند و رسول اکرم، آمد طبق عهد اقدام کرد.

همان طوری که با «یهود بنی قریظه» و «بنی نضیر» و ... تعهد کرده بودند، و آنها خلاف تعهد عمل کردند؛ رسول اکرم دید اینها خطر جدی برای اسلام هستند، لذا آمد این خطر جدی را دفع کرد. لذا جنبه، جنبه دفاعی است. حتی «یهود بنی قریظه» اش!

پرسش:

در قضیه «جنگ بدر» ظاهرش این است که مسلمانها جهاد ابتدایی کردند و به کاروان مشرکین حمله کردند.

پاسخ:

آن یک بحث دیگری بود. مشرکین تمام اموال مسلمانها را تصرف کردند؛ کفار «قریش» با تمام توان علیه مسلمانها اقدام می‌کردند، اموال مسلمانانی را که هجرت می‌کردند، تصرف می‌کردند. لذا رسول اکرم آمد بر مبنای این غارت مشرکین، در حقیقت یک تلافی کرد.

فرض کنید الان من به شما بدهکار هستم، شما می‌آیید از نظر قانونی اقدام می‌کنید ولی نمی‌توانید پولتان را بگیرید، آقایان فتوا دادند که شما می‌توانید از اموال من، بدون اطلاع من، به اندازه مالتان بردارید! قصاص در مال هم، جایز است و همه فتوا دادند. «امام خمینی» هم در کتاب «تحریر الوسيله» فتوا داده است.

اصلاً یکی از کارهایی که اسلام با «کفار حربی» انجام می‌دهد، این است که تمام امکانات مالی و نظامی آنها را از بین ببرد.

پرسش:

پس بنابراین کاری که اهل سنت در «سوریه» کردند و نظم را به هم زدند و علیه حاکم قیام کردند، طبق مبنای خودشان درست نبوده!

پاسخ:

شما چرا این را دارید می‌گویید؟ «علامه امینی» می‌گوید اگر این روایت درست است، سه تا جنگی که علیه امیرالمؤمنین شروع کردند چیست؟ آنها را بیا درست کن این که چیزی نیست. «علامه امینی» در «الغدیر» وقتی این روایت را نقل می‌کند می‌گوید:

«فما عذر عائشة وطلحة والزبير ومن تبعهم من الناكثين والمارقين في الخروج على مولانا أمير المؤمنين؟»

عذر عایشه و طلحه و زبیر و پیروان ناکثین و مارقینشان نزد خدا چیست که آمدند در برابر امیرالمؤمنین قیام کردند.

الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب؛ الشیخ عبد الحسین أحمد الأمینی النجفی (وفات: 1392)، ناشر:

دار الکتاب العربی - بیروت - لبنان؛ ج 7، ص 139

عذر «معاویه» چیست که 18 ماه «جنگ صفین» را با 110 هزار کشته به جا گذاشت؟ عذر «خوارج» چیست با 3 هزار کشته در «جنگ نهروان»؟

اصلاً شما «سوریه» را ملاک قرار نده، «جمل» و «صفین» و «نهروان» ملاک است! شما اول آنجا را حل کن، بعد بیا قضیه «سوریه» و قیام در برابر حاکم به قول خودشان ظالم - حداقل کافر که نیست - را درست کن.

متأسفانه اینها گزینشی عمل می‌کنند، کاری با حقیقت ندارند. اینها دارند از اسلام برای تقویت آن اهداف شوم و خلافی که دارند، سوء استفاده می‌کنند.

پرسش:

اگر این مبنای اهل سنت در تأیید حاکم ظالم و حتی کافر، غلط است، پس چرا ائمه معصومین (علیهم السلام) بر حفظ کشور اسلامی تأیید می‌کردند. مثلاً امام سجاد (علیه السلام) برای مرزبانان جامعه اسلامی

دعا می‌کند!

پاسخ:

مرزبانان، کسانی هستند که دارند از کشور حمایت می‌کنند و نمی‌گذارند که دشمن به داخل کشور بیاید. مرزبان کسی است که شبانه روز در مرز ایستاده تا دشمن به کشور حمله نکند، مرزبان دفاع می‌کند.

پرسش:

زمان امام سجاد (علیه السلام) مرز کشور اسلامی کجا بود؟

پاسخ:

مرز کشور اسلامی هر کجا بود فرقی نمی‌کند. حاکم اسلامی یک بلاد کفری را بر خلاف دستور پیغمبر، تصرف کرده و مردم آنجا هم مسلمان شدند. این‌که مسلمان شدند را ما نمی‌توانیم رها کنیم. حال مسلمان شدنش از طریق شرعی بوده یا غیر شرعی بوده! این مردم مسلمان شدند، مرزهایی هم برای یک کشور اسلامی درست شده، و عده ای از همین مسلمانان هم، حافظ مرزها شده اند.

حال یک کشوری می‌خواهد بیاید این مسلمان شده‌ها را از بین ببرد؛ آیا این مرزبانان باید از این مسلمان‌ها دفاع کنند یا نباید دفاع کنند؟

پرسش:

یکی از مصادیق تأیید ائمه، جریان فتح ایران است. وقتی که کشور «ایران» را می‌خواستند فتح کنند، امیرالمؤمنین منع نکرد، بلکه همکاری هم کرد؛ همانجایی که خلیفه را منع کرد که خودش به جنگ برود.

پاسخ:

خلیفه به حرف هیچ کس گوش نمی‌کند؛ در جریان مشورت از امیرالمؤمنین، همه صحابه آنجا نشستند، خلیفه از 50 نفر مشورت می‌گیرد، آخرش هم می‌گوید علی! شما چه می‌گویید؟

حضرت هم می فرماید: "اگر تو که خلیفه هستی، از شهر رفتی بیرون، اینها به «مدینه» حمله می کنند و همه مسلمان ها را می کشند. این کار تو نابودی مسلمان ها و اسلام است."

امیرالمؤمنین قصد تأیید حمله «عمر» را ندارد، حضرت به عنوان اینکه این کار باعث نابودی اسلام است، به خلیفه تذکر می دهد. و اینکه حضرت بگوید یا نگوید، این کار خود را می کند و می رود.

حضرت می گوید اگر تو به میدان رفتی، وقتی ببینند تو آن جا هستی، آنها جری می شوند، مسلمان ها را رها می کنند و تو را می کشند. وقتی تو را کشتند، روحیه سربازها شکسته می شود و اینها با 100 هزار نیرو حمله می کنند و این کار تو باعث می شود کل مسلمان ها از بین بروند.

پرسش:

ظاهراً خود حضرت هم در فتوحات مشارکت کرده است.

پاسخ:

کجا مشارکت کرده؟ امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در زمان رسول اکرم در تمام جنگ ها حضور داشت، ولی چرا در فتوحات خلفای سه گانه، یک قدم بر نداشت؟ آیا امیرالمؤمنین شجاعتش را از دست داد؟

پرسش:

می گویند «حسنین» در فتح «ایران» حضور داشته اند. آیا این صحیح است؟

پاسخ:

نخیر، این که قطعاً دروغ است. حتی «امام خمینی» هم، در کتاب «مکاسب محرمه» در بخش «اراضی سواد» مفصل می گوید که این، از دروغ های تاریخ است.

«طبری» با سندهای ضعیف آورده که حسنین (سلام الله علیهما) در جنگ «ایران» بودند. و لذا این از دروغ های شاخدار تاریخ است.

اجازه بدهید ما یک مقدار درباره وضعیت خودمان صحبت کنیم. ظاهر قضیه این است که وضعیت «قم» از حالت قرمز به سیاهی رفته، و ظاهراً تمام کلاس‌ها را هم آقایان تعطیل کردند.

حتی دیروز هم بعضی از اساتید که منزل ما تشریف داشتند، گفتند درس را تعطیل کردند. بعضی آقایان که امکانات مجازی ندارند، درس را ضبط می‌کنند، بعد روی سایت‌شان می‌گذارند تا طلبه‌ها استفاده کنند.

ما با یک نرم افزاری که خودمان تهیه کردیم و ماه رمضان برای اساتید حوزه‌های علمیه برنامه داشتیم و الان هم این نرم افزار را داریم، خیلی نرم افزار خوبی است و دوستان به راحتی با ضعیف‌ترین اینترنت هم می‌توانند وارد بشوند.

اگر از طریق کامپیوتر باشد خیلی بهتر است. از طریق گوشی موبایل هم باشد خوب است. شما همان برنامه را اجرا کنید، می‌توانید استفاده کنید.

ما ان شاء الله از روز شنبه، ساعت هشت، هشت و پانزده دقیقه، از طریق نرم افزار «اسکای روم» درس‌مان را برگزار می‌کنیم.

نمی‌دانم نرم افزاری که دفتر «آیت الله العظمی سیستانی» آماده کرده‌اند، چطوری است؟ این را فردا، پس فردا دوستان فنی‌مان بررسی می‌کنند، اگر ببینیم کار با این نرم افزار راحت باشد، دوستان ما این نرم افزار را از این کانال به موبایل آقایان می‌فرستند تا استفاده کنند.

اگر نشد، همان «اسکای روم» که الان داریم استفاده می‌کنیم و داریم ماهانه هفتصد، هشتصد هزار تومان اجاره آن را می‌دهیم، با همان درس‌مان را به صورت مجازی برگزار می‌کنیم و در خدمت دوستان هستیم.

با این وضعی که الان قم دارد که حالت کبودی و سیاهی به خودش گرفته، خدای نکرده اگر یک انسانی گرفتار بشود، شاید شرعاً هم درست نباشد.

چون برنامه، خودش حضور و غیاب هم دارد، ما تلاش می‌کنیم برای عزیزانی که حداقل هفتاد درس را حضور داشته باشند، مبلغ ناچیز ماهانه پنجاه هزار تومان به عنوان هزینه اینترنت آقایان تقدیم کنیم. چون بالآخره یک سری هزینه‌هایی برای آقایان دارد و حالت دانلودی دارد.

حقیقتش با این وضع کرونا، ما برای برگزاری کلاس به صورت حضوری، شبهه شرعی داریم. هم برای خودمان که س‌ن‌مان بالا است و هم خدای ناخواسته دوستان برایشان مشکلی پیش نیاید و به مریضی مبتلا نشوند.

الان خود «مقام معظم رهبری» با این که خیلی راحت هم می‌تواند کلاسش را برگزار کند، ولی درسش را به طور کلی تعطیل کرده است.

در ماه محرم با این که در «حسینیه امام خمینی» یک مداح بیشتر حضور نداشت، ایشان با رعایت پروتکل‌های بهداشتی آمد و نشست. چون چیزی را که انسان احتمال هم بدهد برای یک نفر خدای نکرده ضرر دارد، اقدام خلاف شرع است و حرام است.

ما دیروز در «قم» نزدیک 17 نفر فوتی داشتیم. هر روز آمار فوتی‌ها بالا می‌رود. این به خاطر مسافرت‌ها بوده و یا به خاطر محرم بوده و یا چه بوده ما نمی‌دانیم!

چون بعضی از روزها 170 تا 180 نفر بستری می‌شوند؛ این آمار بیمارستان‌ها است، البته آن‌هایی که در خانه از بین می‌روند، آقایان آمار ندارند و خیلی وقت آمارها را بیان نمی‌کنند.

در «قم» آقای «جلیلی» که «معاونت تبلیغ» بود، ایشان رئیس مرده شورخانه کرونائی‌ها است، یا خانم‌هایی که از «جامعه الزهرا» می‌روند و مرده کرونائی غسل می‌دهند، شما به این‌ها زنگ بزنید و سوال کنید روزانه چند نفر فوتی دارند؟ تا آن وقت بدانید با آن آمار که اعلام می‌کنند چقدر تفاوت دارد!

یا با آن‌هایی که ماسک نمی‌زنند مصاحبه می‌کنند، آنها می‌گویند: "ما کرونا نمی‌گیریم، همه این‌ها دروغ است." اتفاقاً همان‌ها را می‌بینید که گرفتار شدند.

حتی بعضی‌ها کرونا گرفتند، باز هم بار دوم گرفتند. بعضی‌ها برای بار سوم کرونا گرفتند. آقای «ابوالقاسمی» کرونا گرفت و رئیس دفتر ما کرونا گرفت و در خانه بستری بود و الآن رو به بهبودی است. آقای «انصاریان» در بیمارستان است، آقای «بطحائی» استوانه‌ای از حوزه و از دوستان نزدیک ما بود.

حاج آقای «ربانی» از مرکز خدمات، آماری برای من فرستاده بود مبنی بر اینکه در سطح کشور، نزدیک به پنج هزار روحانی به خاطر کرونا فوت شدند؛ یک آمار خیلی مفصلی هم آقایان دادند. این یعنی از نظر عقلی و از نظر شرعی ما نباید کلاس درس داشته باشیم، اصلاً درس یک سال تعطیل بشود هیچ ایرادی ندارد!

در «قم» کل درس‌ها را تعطیل کردند، دانشگاه‌ها اصلاً شروع نشد. آدم به هیچ وجه نمی‌تواند بگوید یک اتفاقی بنا بود بیافتد افتاد. ما خودمان به هیچ وجه جلسه حضوری در مؤسسه نداریم. هر روز تمام بخش‌های مؤسسه را ایزوله و ضد عفونی می‌کنند که خدای نکرده اتفاقی نیافتد.

این یک چیز عادی است و ما باید به این سمت برویم، حتی برای بچه‌هایمان هم باید امکان استفاده از فضای مجازی را داشته باشیم.

آن دوستانی که ماهواره دارند، شاید ما از هفته آینده درس را از طریق ماهواره و «شبکه ولیعصر» هم پخش کنیم که دوستان راحت از تلویزیون ببینند و هزینه اینترنتی هم پرداخت نکنند. آقایان اگر ریسور و ماهواره دارند، ما به راحتی می‌توانیم برنامه درسی‌مان را ادامه بدهیم.

البته برای اساتید حوزه‌های علمیه بنا است یک برنامه‌های داشته باشیم. حاج آقای «اعرافی» چند بار از ما خواسته؛ امسال تصمیم دارند در حوزه‌های علمیه ماهواره بگذارند و بخواهند خیلی راحت اساتید جمع بشوند، یا در خانه‌های‌شان ببینند.

پرسش:

ماهواره که ممنوع هست!!

پاسخ:

نه، فعلاً که آزاد شده و همه دارند استفاده می‌کنند. آقایان روی سایت بروند و یا از بازار اپلیکیشن «شبکه جهانی ولیعصر» را دانلود بکنند؛ خیلی راحت می‌توانند بی هیچ درد سری ببینند و با ضعیف‌ترین اینترنت قابل دریافت است.

ما ساعت 9 تا 10:30 برنامه پاسخ به شبهات وهابیت، مسیحیت، سروش و غیره داریم و جواب این شیخ دیوانه «اللهیاری» را هم داریم. ما در طول هفته، یک ساعت و نیم، هر شب برنامه زنده داریم.

شب‌های دوشنبه و جمعه هم بنده خودم هستم، که الان امامت امیرالمؤمنین در «نهج‌البلاغه» که بعضی‌ها تشکیک می‌کنند را بحث داریم. بعضی‌ها تشکیک می‌کنند که امیرالمؤمنین در «نهج‌البلاغه»، امامت خودش را انتخابی می‌داند مثل:

«دَعُونِي وَ التَّمِسُوا غَيْرِي»

نهج البلاغة (للصّبحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق / مصحح: فیض الاسلام، ص 136، خطبه 92

و یا مثل:

«إِنَّهُ بَايَعَنِي الْقَوْمُ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَ عُمَرَ وَ عُثْمَانَ عَلَى مَا بَايَعُوهُمْ عَلَيْهِ»

نهج البلاغة (للصّبحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق / مصحح: فیض الاسلام، ص 367، نامه 6، و من کتاب له (عليه السلام) إلى معاوية

بنده دو سه هفته است روی این موضوع دارم کار می‌کنم. برنامه ما الان از طریق «تویتر»، «فیس بوک»، «اینستاگرام» و... پخش زنده می‌شود؛ یعنی دیگر عذری نیست که کسی بخواهد بیاورد.

ما فایل برنامه را هم روی «سایت ولیعصر» می‌گذاریم و دوستان می‌توانند کل صوتش را در آن‌جا دانلود بکنند. البته ما متن تایپ شده‌اش را هم روی «سایت ولیعصر» می‌گذاریم. در کانال «ایتا» و «تلگرام» هم پخش می‌شود.

ان شاء الله از روز شنبه ما در خدمت آقایان از طریق فضای مجازی هستیم.

«والسلام علیکم ورحمة الله»